

با دوجنسگرایی آشناشویم

هویت جنسی فرد و گرایش درونی‌اش را نمیتوان از روی ظاهر او تشخیص داد. هر فردی با هر مقام و موقعیت اجتماعی، چه زن و چه مرد ممکن است دارای این یا آن گرایش جنسی باشد. دوجنسگرایی یعنی توانایی برقراری رابطه جنسی، عاطفی با هر دو جنس مخالف و موافق و احساس لذت بردن و اشباع شدن از چنین رابطه‌ای.

برای بعضی‌ها دوجنسگرایی یک مرحله گذار از هتروسکشوالیتی (تمایل به جنس مخالف یا همان دگرجنس خواهی) به همجنس خواهی است و برای بعضی‌ها دوجنسگرایی یک هویت جنسی مادام‌العمر است.

دوجنسخواهی در همه افراد دوجنسگرا به یک حد و اندازه نیست و شدت و حدت آن در افراد مختلف، متفاوت است یعنی درجه تمایل و اشتیاق آنان به نزدیکی با زن یا مرد کم و زیاد است، ممکن است بیشتر به همجنس یا غیر همجنس کشش داشته باشند.

همینطور ممکن است یک دوجنسگرا فقط توانایی و قدرت برقراری رابطه عشقی و عاطفی با همجنس خود را دارد ولی در رابطه با سکس قادر باشد با هر دو جنس موافق و مخالف سکس داشته باشد واز آن لذت ببرد. عکس قضیه هم صدق میکند یعنی یک عده هم حتی ممکن است از نظر سکس فقط بتوانند با یکی از دو جنس مخالف یا موافق رابطه برقرار کنند اما توانایی برقراری رابطه عشقی و عاطفی با هر دو جنس را داشته باشند.

شدت و حدت احساسات در زمانهای مختلف هم ممکن است متغییر باشد یعنی یک دوجنسگرا ممکن است در مرحله‌ای از زندگی خود بیشتر به یک جنس و در مرحله بعدی به جنس دیگر کشش بیشتری پیدا کند. بعضی‌ها ادعا میکنند که این تغییرات مرحله‌ای یعنی گاهی همجنس خواه و گاهی دگرجنس خواه شدن فرد بمعنای تغییر در گرایش بیسکشوالیتی فرد نیست که ادعا شود فرد در این مرحله همجنس خواه و در آن مرحله غیر همجنس خواه است البته این تئوری قابل بحث است.

در بحث مربوط به بیسکشوالیتی خوب است این را بیاد داشته باشیم که ممکن است فرد یک احساس داشته باشد اما به شکل دیگری زندگی کند، یعنی فرد بر اساس هویت جنسی خود زندگی نکند. نفس زندگی در کنار یک فرد از جنس مخالف یا موافق دال بر همجنسگرا یا دگرجنس خواه بودن فرد نیست، یک دوجنسگرا در عین زندگی با یک جنس خاص گرایش به جنس دیگر را هم در خود دارد.

تعداد دوجنسگرایان در جامعه چقدر است؟

در طرح چنین پرسشی بهتر است اصل سؤال را برای خود روشن کنیم. آیا سؤال این است که چقدر افراد در جامعه ممکن است با همجنس یا غیر همجنس خود سکس داشته یا اینکه چقدر افراد این احساس و گرایش به هر دو جنس (بیسکشوالیتی) را بعنوان هویت جنسی خود پذیرفته‌اند (حداقل در درون خود)، یا اینکه چه تعداد دارای فانتزی انجام سکس با هر دو جنس را دارند. بسته به مسائل فوق جوابها هم متفاوت هستند. و این جوابها هم به سطح آگاهیهای جنسی در اجتماع بستگی دارند. از یاد نباید برد که داشتن فانتزی سکس یا حتی انجام عمل سکس با هر دو جنس صرفاً دال بر دوجنسگرا بودن فرد هم نیست. بخصوص در جامعه‌ای مثل جامعه ما که بعلت فشارهای موجود و سطح نازل آگاهی جنسی، گیج‌سری شدیدی در افراد حاکم است.

نتایج تحقیقات کینسی (Kinsy) یکی از محققان مشهور مسائل جنسی، در دهه چهل و پنجاه نشان می‌دهد که حدود ۳۴ درصد مردان و ۱۳ درصد زنان دارای تجربه رابطه جنسی با هر دو

جنس مخالف و موافق هستند. ای کاش به محققان ما در ایران هم امکان چنین تحقیقاتی داده می‌شد. محققان دیگر با توجه به تحقیقات و تجارب خود در این مسائل معتقدند که حدود پنج درصد مردم هر اجتماعی دوجنسگرا می‌باشند.

موقعیت دوجنسگرایان در جامعه

گاهی پیش می‌آید که دوجنسگرایی مد روز میشود و هر که از راه می‌رسد خود را بیسکسوال می‌خواند، در حالی که یک فردی که به غیر همجنس خود گرایش دارد و فقط از روی کنجکاوی یا ناچاری یا علت دیگر دست به انجام عمل سکس با همجنس خود میزند را نمیتوان دوجنسگرا نامید. عکس قضیه هم صدق میکند.

وقتی فشارهای اجتماعی بر همجنسگرایان کاهش می‌یابد، علنی کردن خود بعنوان همجنسگرا یا دوجنسگرا هم راحتتر میشود و این را نباید با مسئله مد روز بودن که در بالا بدان اشاره شد، یکی دانست، بلکه به این معنی است که افراد با چنین گرایشی که قبلاً شناخت و فرصت و امکان علنی کردن خود را نداشته‌اند، دارند کم‌کم هویت خود را باز می‌یابند.

تعدادی از انسانها دوست ندارند مارک همجنس خواه یا غیر همجنس خواه بخود بزنند و ترجیح می‌دهند خود را دوجنسگرا معرفی کنند به این دلیل که مارک همجنس خواهی یا غیر همجنس خواهی بخود زدن، باعث لجام زدن به قدرت بالقوه فرد در ارتباط عاطفی و جنسی با هر دو جنس میشود.

شرایط دوجنسگرا در زندگی مشترک

اکثریت مطلق دوجنسگرایان وقتی با یک شریک جنسی (چه از جنس مخالف و چه از جنس موافق) زندگی میکنند، از اعتراف به اینکه به جنس دیگری هم گرایش دارند، می‌ترسند، چون ممکن است اسباب حسودی طرف خود شوند یا اینکه این اعتراف تاثیر بدی در روابط آنها ایجاد کند. به این جهت خیلی از آنها بخصوص اگر با یک نفر از جنس مخالف زندگی مشترک دارد، در خفا به گرفتن تماسهای جنسی با جنس موافق خود اقدام میکنند، این مسئله بخصوص در مورد کسانی که با جنس مخالف خود زندگی مشترک دارند، صدق می‌کند. اما در سالهای اخیر تعداد دوجنسگرایانی که با جنس مخالف زندگی کرده و دوجنسگرایی خود را برای طرف علنی کرده‌اند، هر روز بیشتر میشود، بخصوص اگر طرف انسان فهمیده‌ای باشد که آنها را درک کند، چون میداند که این قسمت از نیازشان را نمیتواند برطرف کند و از طرف دیگر نمیخواهد که آنها بخشی از وجود خود را هم سرکوب کنند.

دوجنسگرایی مرحله‌ای از مراحل پذیرش همجنسخواهی فرد است

در جوامعی که آزادی جنسی وجود ندارد، پدیده‌ای که آن را دگرجنسخواهی اجباری نام می‌نهند، نیز دیده میشود. یعنی زنان لزبین، همجنسگرایان و دوجنسگرایان حق انتخاب راه و روش زندگی خود و انتخاب شریک جنسی را ندارند و قوانین و فشارهای فرهنگی آنها را مجبور به ازدواج با جنس مخالف میکند

در جامعه‌ای (مثل ایران و کشورهای مشابه) که دگرجنسگرایی اجباری برقرار باشد دوجنسگرایی میتواند پیش مرحله پذیرش هویت همجنسخواهی باشد، یعنی فرد در مسیر پذیرش هویت جنسی همجنسخواهانه خود ابتدا اعلام کند که به هر دو جنس گرایش دارد تا نیرو و توان درونی کافی برای پذیرش حس همجنسخواهی خود را جمع کرده، قدم بعدی را بردارد. البته این را هم باید اضافه کرد که در صورت امکان، کسانی هویت جنسی خود را ابتدا همجنسخواهانه معرفی میکنند اما بعد از مدتی به این نتیجه میرسند که نه، دوجنسگرا هستند. بعضی‌ها بر این اعتقادند که هر هویت جنسی کلاً مرحله‌ای در مسیر پذیرش

هویت بعدی است. با اینهمه برای بعضی‌ها هویت جنسی دوجنسگرایانه، یک هویت جنسی ثابت در طول زندگی باقی می‌ماند. چیزی که مهم است اینکه هر فردی امکان این را داشته باشد که خود با کمک شناخت و آگاهی از نیازهای خود، هویت جنسی خودش را تعیین کند و زور یا اجباری در کار نباشد.

آیا واقعاً همه انسانها دوجنسگرا هستند؟

محققان و کارشناسان امور جنسی معتقدند که همه انسانها بطور بالقوه توان کشش به هر دو جنس مخالف و موافق را دارند و دوجنسگرایی را در واقع داشتن همین کشش به هر دو جنس تعریف میکنند. اما این را هم نباید از یاد برد که زدن چنین مهری بر دگرجنسگرایان یا همجنسگرایان ممکن است با نارضایتی و حتی خشم آنها مواجه شود. دوجنسگرایان از مبارزات همجنسگرایان بهره می‌برند و در عین حال خود را در پشت و پناه دگرجنسگرایان پنهان میکنند

با توجه به فشارهای فرهنگی و اجتماعی و قوانین، داشتن زندگی مشترک با یک همجنس کار ساده و راحتی نیست چرا که خطر تبعیض، تحقیر و سرزنش خطری است که گاهی باید بطور روازنه با آنها در افتاد، به این دلیل زندگی با یک فرد از جنس مخالف راحتتر است و فرد خود را از فشارهای موجود بر حذر میدارد و همین امکانی است که دوجنسگرایان به راحتی از آن استفاده میکنند، اما جانکاهی درد و رنج درونی ناشی از فشارهای اجتماعی در اجبار این افراد به انتخاب یک زندگی براساس پیشداوریهای دیگران و نفی بخشی از هویت و نیازهای انسانی‌اشان را نباید از یاد برد. این پنهان کردن بخشی از هویت حالت همان همجنسگرایی را دارد که از ترس دیگران حس همجنسخواهی خود را پنهان و سرکوب کرده و با یک غیر همجنس تن به از داوج میدهند.

به این دلیل در سایه مبارزات زنان و مردان همجنسخواه برای آزادی و برابری جنسی در جامعه، آگاه کردن مردم و لغو قوانین تبعیض آمیز، دوجنسگرایان نیز سود می‌برند و حتی خیلی از آنان مستقیم در این مبارزات درگیر میشوند.

دوجنسگرایان وقتی وقتش میرسد، خود را دارای گرایش به جنس مخالف معرفی میکنند و به این طریق خود را از زیر ضرب فشارهای جامعه کنار می‌کشند، اما در عین حال از بارها، پارکها، بارها و دیگر محل‌های ملاقات همجنسگرایان هم استفاده میکنند.

آیا فرد دوجنسگرا حتماً باید با یک زن و با یک مرد رابطه داشته باشد؟

نه، بعضی از دوجنسگرایان در زندگی مشترک خود با یک انسان دیگر (چه همجنس و چه از جنس مخالف)، این احساس را دارند که یک کمبودی در زندگی دارند، یک بخشی از وجود آنها ارضا نمیشود و به همین سبب، خیلی از آنها در کنار داشتن یک زندگی مشترک با یکی از دو جنس، در کنار آن هم سعی میکنند رابطه‌ای با جنس دیگر برقرار کنند ولی همه اینکار را نمیکنند. خیلی از دوجنسگرایان میگویند که فقط به هر دو جنس گرایش دارند ولی لزومی برای پاسخ دهی به این گرایش را نمی‌بینند یا به هیچوجه دوست ندارند که به شریک جنسی خود خیانت کنند. اینکه چگونه هر فردی این مسئله را برای خود حل میکند، بهتر است به خودش واگذار شود.

پس چطور میتوان دوجنسگرا بود وقتی که فرد با یک جنس زندگی میکند؟

صرف داشتن زندگی مشترک با جنس مخالف نباید به معنای دگرجنسگرا بودن فرد تلقی شود، در انتخاب چنین زندگی‌ای عوامل زیادی از جمله قوانین و فشارهای فرهنگی نقش عمده‌ای دارند- این به معنای رد کردن گرایش کامل به جنس مخالف در اکثر افراد جامعه نیست، صحبت اینجا از دوجنسگرایان است.

عکس قضیه هم هست، صرف زندگی با یک همجنس بمعنای صد در صد همجنسگرا بودن طرف بحساب نمی آید. عبارتی یک فرد ممکن است در همه حال و در تمام مدت زندگی خود را دوجنسگرا بداند اما با توجه به عوامل متعددی فقط زندگی با یکی از دوجنس را برای خود انتخاب کند.

موقعیت دوجنسگرایان در جهان

همزمان با پیشرفت دمکراسی و آزادی، افزایش آگاهی جامعه در باره مسائل سکس انسانها، گسترش مبارزات برای آزادی جنسی و بالا رفتن تحمل و احترام به حیطة خصوصی افراد، و بخصوص بعد از لغو قوانین تبعیض آمیز در مورد همجنسگرایان زن و مرد، بسیاری از دوجنسگرایان هم به فکر سازماندهی و طرح مسائل خود در جامعه افتاده اند. دوجنسگرایان میگویند که چه در جمعهای همجنسگرایان و چه در جمعهای دگرجنسگرایان، احساس در اقلیت بودن می کنند و به همین دلیل داشتن تشکلات و گروهها و محلات خاص خود را تنها راه خلاص شدن از این موقعیت می دانند. لذا زنان و مردان دوجنسگرا در کشورهای اروپا، آمریکا، استرالیا و چند کشور دیگر، امروزه گروهها و تشکلات وسیع خود را بوجود آورده و مجلات، سایتها و کلوبهای خاص خود را دارند و حتی جلسات و کنفرانسهای بین المللی مخصوص دوجنسگرایان هم برگزار میکنند.

دوجنسگرایان در ایران

با توجه به فشار و ستم جنسی در ایران و جدایی دو جنس از هم، درصد بالایی از افراد بخصوص جوانان غیر متاهل، از هر فرصتی برای ارضا نیاز جنسی خود استفاده میکنند، حال فرقی نمی کند فرصت سکس با همجنس را بیابند یا غیر همجنس. اما این رفتار را نمی توان دوجنسگرایی دانست، یک مسئله دیگر هم تعدادی از نوجوانان هم، بخشی بعلت فشار جنسی و بخشی برای دست زدن به تجربه و خطا، ممکن است با هر دوجنس موافق و مخالف سکس داشته باشند، این افراد را هم نمیتوان در ردیف دوجنسگرایان بحساب آورد، با همه اینها بروز گرایشات مختلف جنسی در انسانها نه مرز می شناسد، نه ملیت و نه مذهب یا فرهنگ. چه بخواهیم و چه نخواهیم درصدی از مردم ما (هم زن و هم مرد) دوجنسگرای واقعی هستند، اما دوجنسگرایان ایرانی بشدت در خفا زندگی میکنند؛ یعنی نه تعداد تقریبی آنها مشخص است و نه حتی تاکنون قدمی برای بهبود وضع خود برداشته اند و بنا به شرایط اجتماعی-فرهنگی و سطح آگاهی های فردی و عمومی، اکثریت قریب به اتفاق آنها زندگی مشترک با جنس مخالف را انتخاب میکنند و از ابراز علنی احساس دوجنسی اشان به شریک خود بشدت می پرهیزند. هر چند که در خفا و اگر فرصتی پیش آید از لذت سکس با جنس موافق هم بهره می برند. این موضوع بخصوص در رابطه با مردان دوجنسگرای ایرانی صدق می کند. (به همجنسگرایانی که بنا به مسئله دوجنسگرایی اجباری در اجتماع ازدواج کرده و به تماسهای جنسی مخفیانه با همجنس خود رو می آورند، کار نداریم). دوجنسگرایان ایرانی بطور بالقوه یکی از نیروهای عمده در مبارزه برای آزادی جنسی در کشور محسوب میشوند، هر چند که تاکنون (تا آنجا که ما میدانیم) کاری نکرده اند.

از دوستان خواهش میکنیم از ما نخواهند که جواب سئوالات آنها را بطور خصوصی و از طریق ای میل بدهیم، ما وقت اینکار را نداریم. از پاسخ دادن به سئوالات تکراری پوزش میخواستیم.

سؤال ۱- دوست پسر من دارد به خواستگاری ام می‌آید، آیا بهش بگم که باکره نیستم؟ قبل از خواستگاری چه صحبت‌هایی با هم بکنیم.

جواب: اگر طرف دوست پسر است، خوب یعنی هر دو به هم علاقمندید و اگر قرار است به خواستگاری بیاید یعنی هر دو برای ازدواج توافق دارید، پس بهتر است که قبل از خواستگاری نه تنها علاقت سکسی و غیره همدیگر را بشناسید بلکه اخلاق و رفتار و قضاوت همدیگر در رابطه با خیلی از مسائل دیگر زندگی هم بشناسید. به همین دلیل بهتر است که بطور جدی در رابطه با خیلی از مسائل با هم توافق کنید بخصوص مسائلی که برای خودت در زندگی خیلی مهم هستند، همینطور دیدگاه دوستت در رابطه با آزادی زنان و برابری حقوق زن و مرد در جامعه، استقلال اقتصادی و حق اشتغال برای هر دو طرف، حق طلاق دوطرفه، نگهداری از فرزندان و..... در مورد باکره نبودن نظر ما این است که از همین حالا باید با هم صادق باشید و موضوع را به ایشان بگویید. (مگر طرف قبلاً با فرد دیگری سکس نداشته؟) مطلب چگونگی اضافه کردن (شرایط ضمن عقد) در عقدنامه که در صفحه دیگران چه میگویند در شماره ۳۵ سکاف آوردیم را هم بخوانید. - می‌دونم که تو دوره پر بود اگه پسر آلت خودشو وارد دختر یا زن بکنه، این برا اون (زن / دختر)

سؤال ۲

ضرر داره، حالا می‌خوام بدونم که اگه تو دوره پر بود زن یا دختر به ارگاسم برسه (حتی بدون دخول) آیا این هم براش ضرر داره؟

جواب: کجا و کی اینو گفته که تو دوره پر بود اگه مرد کیرشو وارد زن یا دختر پر بود دار بکنه برا دختر ضرر داره؟ نه، هیچ ضرری (نه برای مرد و نه برای زن / دختر) ندارد. تنها اشکالی که ممکنه پیش بیاد اینه که شاید کیر مرد خونی بشه که میتونه اینو بعداً بشوره (البته از این موضع صحبت میکنیم که هر دو سالم هستند و هیچ بیماری مقاربتی ندارند) حالا اگه مرد / پسر نخواهد که کیرش خونی بشه میتونه از کاندوم استفاده کنه. پس دخول در دوره پر بود ضرری ندارد. ارگاسم در دوره پر بود هم همینطور و هیچ ضرری برای طرفین ندارد. یک نکته اضافه کنیم که سکس و عمل دخول در دوره پر بود ممکنه باعث بشه که لحاف و ملافه روی تخت خونی بشن، بهترین کار اینه که یک حوله یا هر چیز مناسب در زیر خود قرار دهید.

سؤال ۳- ما فقط چند سال است که ازدواج کرده ایم، ولی خانمم متاسفانه مجبور به انجام عمل هیستریکتومی (بیرون آوردن زهدان یا رحم) شد ولی حالا بدجوری روحیه اش خراب شده بخصوص توی سکس. شما چه پیشنهادی دارید؟

جواب: عمل هیستریکتومی یک زن را میتوان با قطع کردن هر دو تخم یک مرد مشابه کرد، حالا خود تخمین بزنید که طرف بعد از عمل چه احساسی ممکن است داشته باشد، یعنی خیلی‌ها فکر میکنند که از نظر سکسی دیگه اون احساس سابق رو ندارند، نگران برخورد و برداشت غلط همسر خود هستند، اینکه برای طرفشون دیگه جذاب نیستند و.... پس بهترین کار این است که با همسر خود صحبت و کمک کنی که اعتماد خود را باز یابد، وقت به او بده، و از نظر روحی روانی به او کمک کن، مهر و عشق و علاقه خودت را صادقانه ابراز کن و آنوقت خواهی دید که از نظر سکس و جنسی، هیچ تغییری نکرده است و زندگی خوب سابق را باز خواهید یافت.

سؤال ۴- من فکر میکنم که اگه کیرم رو تو کون یا دهن دوست دخترم بگذارم، ارزش و شخصیت این دوستم می‌آد پائین، شما می‌گید چکار کنم؟

جواب: ما می‌گیم نگاه و دید خودتان نسبت به سکس را عوض کنید. چرا فکر میکنی که اگر دوست دخترت کیرت را تو دهنش بگیره و مک (یا ساک) بزنه، ارزش اون کم میشه؟ مگر وقتی که تو کس دوستت را ایس میزنی ارزش تو کم می‌شه؟ ببین دوست عزیز، این فکر شما ریشه در تفکرات

قدیم ما ایرانیان دارد که سکس و آلت‌های درگیر در سکس نجس هستند، یا چیز بدی می‌باشند و از این حرفها. بهتره که جدی‌تر شماره‌های مختلف سکاف رو بخوانی و پیشداوریها و ذهنیتهای قدیمی درباره سکس را از ذهن خود دور کنی. مرد زمانی به شخصیت زنش توهین میکنه که آزادی اونو محدود کنه، یا بر علیه زنش تو خونه خشونت بکار بیره و زن را کتک بزند، یا نگذارد که هر لباسی خواست بپوشه و خلاصه اون مردی که حقوق برابر و انسانی برای زن قائل نیست به ارزش و شخصیت زن توهین کرده نه کسی که میره و آلت زن خودشو می‌لیسه و لذت دوطرفه می‌ده و میگیره.

سؤال ۵- چطوری میتوان فهمید که زنی به ارگاسم رسیده یا نه؟ چون همسرم میگه که به ارگاسم میرسه ولی هیچ آه و اوخی ازش درنمی‌آد؟

جواب: سؤال کمی سختی است، بعضی از زنان هنگام ارگاسم، هیچ حرکت و یا صدایی بروز نمی‌دهند بخصوص زنانی که هنوز گرفتار تابوهای فرهنگی باشند. با اینهمه اگر شما با دست یا زبان خود، او را به ارگاسم برسانید، این احتمال هست که انقباض و انبساطها در ناحیه آلت تناسلی در زمان ارگاسم ایشان را متوجه شوی و هم حس کنی، بخصوص اگر یکی دو انگشت شما در واژن ایشان باشد. لطفاً جواب سؤال بعدی را هم بخوانید.

سؤال ۶- من از سکس خیلی لذت می‌برم ولی واقعاً نمیدونم به ارگاسم میرسم یا نه، ممکنه بگید که وقتی دختر یا زنی به ارگاسم میرسه، دقیقاً چه احساسی داره؟ خیلی ممنون.

جواب: بعضی زنان در توضیح ارگاسم خود میگویند که ارگاسم را یک حس مشتاقانه قوی و شدیدی در دور و بر کلیتوریس احساس میکنند، بعضی دیگر ارگاسم را مانند موجی قوی از هوس و لذت که سراسر بدن را میگیرد، تعریف میکنند. ارگاسم میتونه هم احساسی و هم فیزیکی باشد. عبارتی حالت سعودی لذت و خوشی حین سکس و تا اوج رسیدن و برگشتن که در انتهای اوج حالت سفتی و محکم شدن واژن و چوچوله و در بعضی زنان انقباضی که در ماهیچه‌های درون واژن صورت میگیرد. یک جایی خواندیم که زنی ارگاسم خود را به حالتی که وقتی کمر کسی خارش شدیدی دارد و لذتی که از خارش به آدم دست میدهد، تشبیه کرده بود. ارگاسم حدوداً ۱۵ ثانیه (و یا کمتر) بطور میکشد.

سؤال ۷- دوست دختری دارم که وقتی با هم سکس داریم همیشه من باید ازش بخوام و بعد هیچ نمی‌ذاره که شلوارش رو بکشم پائین. میگه رو شلوار. من هم روش میخوابم و از رو شلوار ارضا می‌شیم. میخواستم بپرسم که اگه با زور شلوارشو دربیارم، اشکال داره؟

جواب: بله، صد در صد اشکال داره. به این دلیل که دوستت اینو نمی‌خواد و تو صرفاً بخاطر خواسته خودت و بر خلاف میل و خواسته دوستت عمل میکنی. و میدانی که توی سکس هر کاری بر خلاف میل طرف دیگه انجام بدی بعنوان تجاوز تلقی میشود و این جرم است. ولی مثل اینکه تو توی باغ نیستی و نمی‌فهمی که چرا دوستت مانع اینکار می‌شود؟ چون میترسد که پرده‌اش را بزنی؟ و تو اجتماع ما، پسران و مردانی که فکرشون مال عهد بوق هست و هنوز به باکره بودن دختر در شب عروسی اهمیت میدهند، متأسفانه زیاد هستند، امیدواریم خود تو اینطوری نباشی.

سؤال ۸- من دوست دارم که وقتی با دوست دخترم با هم سکس داریم، رو همدیگه بشاشیم یا اون رو من بشاشه و من شاش اونو بخورم. میخواستم بدون که آیا من اشکالی دارم؟ آیا این کثافتکاری است؟

جواب: همه‌مفاهیم نسبی هستند، اینکه توی سکس چی کثیف است و چی کثیف نیست را کسی تعیین نمی‌کند جز دونفری که با رغبت و رضایت با هم سکس دارند. حالا ممکنه کسی شاشیدن رو هم یا خوردن شاش طرف را کثیف بداند ولی نظرش بر خودش محترمه و دلیل نمی‌شه که شما بخاطر احترام به نظر یک نفر دیگه، خواسته خود را سرکوب کنید. بخصوص که

دیگران هم ممکن است به سکسی علاقه داشته باشند که شما نمی‌پسندید، پس بقول معروف زندگی کن و بگذار دیگری زندگی بکند را مراعات کنیم، هر کی هر کاری می‌خواهد بکنه بشرطی که با آزادی و اختیار دو طرفه باشه و به کسی ضرر نزنه، در هر اجتماعی افرادی هستند که به این شکل سکس (ساشیدن رو طرف یا خوردن شاش طرف) علاقه دارند، هر چند که درصد آنها کم است، ولی وظیفه ما قضاوت درباره سلیقه و علائق دیگران نیست، اگر خوشت می‌آد و شریک جنسی تو هم خوشش می‌آد، چرا که نه. امیدواریم روزی برسد که شما و دیگری که به سکس خاصی علاقه دارید بتوانید گروهها و کلوبهای خاص خود را داشته باشید که راحت همدیگر را پیدا کنید. مطلب (اخلاق-سکس در همین شماره سکاف را هم بخوان)

سؤال ۹- مدتی است با مردی آشنا شده‌ام که می‌خواهیم با هم ازدواج کنیم، حالا هم با هم سکس داریم اما به تازگی متوجه شدم که دوستم به نوع خاصی از سکس علاقه داره. اون دوست داره که موقع سکس من بزمنش یا مثلاً سوارش بشم. می‌گه تو این موقعها درد رو دوست داره. می‌خواه من لباسهای عجیب و غریب بپوشم و کفشهای پاشنه بلند و... حتی گاهی خودش هم دوست داره که لباس زنونه بپوشه و آرایش کنه. البته فقط در موقع سکس اینطوری میشه. من اصلاً نمیدونم که چیکار باید انجام بدم؟ آخه اون دوست داره که یه چیزی توی مقعدش داشته باشه و از من می‌خواه که اونو با یه کیر مصنوعی که داره، کمک کنم. لطفاً بگین که من با دوستم چکار کنم؟ آیا واقعاً توی سکس باید بزمنش؟

جواب: سؤال شما تا حدود زیادی تکراری است، اگر دو مطلب مربوط به (فتیشیسم و بازنپوشی آشنا شویم) و سؤال و جوابها را بخوانید، با گرایش دوست پسر خود بهتر آشنا میشوی. اینکه تو باید اونو بزنی (درد به او برسانی) یا نه، را ما تصمیم نمیگیریم، این زندگی خود توست و خود تو باید این تصمیم را بگیری، فقط این را اضافه کنیم که توی هر رابطه‌ای نباید همیشه بر خلاف میل و احساس خود رفتار کنی. اینکه دوستت مایل است کیر مصنوعی در مقعد داشته باشد، ممکن است طرف همجنسگرا یا دوجنسگرا باشد ولی این حتمی نیست، چون مردانی هستند که از وارد شدن آلت مصنوعی در مقعد و تحریک شدن پروستات خود لذت می‌برند بدون آنکه گی باشند.

سؤال ۱۰- التماس میکنم به من کمک کنید. من به دوست پسرم اجازه دادم که پرده منو بزنه و اون هم آتش رو ریخت تو، چکار کنم که حامله نشم؟

جواب: دوست عزیز، اگر شما سکاف را خوانده باشید ما روی چند مسئله تاکید کرده‌ایم و آن اینکه هر کسی آزاد است هر کاری که می‌خواهد بکند ولی باید مسئولیت و عاقبت کار خود را بداند و حاضر باشد که مسئولیت تقبل کند. مگه شما نمی‌دانستید که وقتی بدون کاندوم سکس دارید نه تنها امکان باردار شدن شما هست بلکه بدتر از آن امکان ابتلا به بیماریهای مقاربتی از جمله ایدز هم هست؟ از این گذشته اگر مطالب "قرص روز بعد" (سکاف ۳۰) و همینطور مطلب "بارداری ناخواسته" در سکاف ۲۷ را بخوانی جواب خود را خواهی گرفت.

سؤال ۱۱- می‌خواستم بدونم بهترین راه برای جلب توجه کسی که آدم دوستش داره چی هست؟

جواب: راههای مختلفی هست بسته به طرف، موقعیت و... ولی بد نیست این مسائل را در نظر بگیرد: از طرف در باره خودش سؤال کن، نشون بده که بطرف علاقه داری، به صحبتهای طرف با علاقه و جدیت گوش بده، تو حرفاش نپر، وقتی باهات حرف میزنه به چشاش نگاه کن. برای اینکه اون از خودش بگه، بهتره که تو هم از خوت بگی یعنی از زندگی خودت که فکر میکنی میتونه براش جالب باشه، گفتن از همدیگه اعتماد می‌آورد و باعث ادامه صحبت هم میشود، از بکار بردن شوخی و مزاح نترس، لبخند بزن. اگر تو واقعاً از یکی خوشت می‌آد، طرفت این را میتونه از تو چشم و حالات تو تشخیص بده، اگه با هم راحت هستید میتونی حین صحبت کردن، مثلاً بازو بشو بگیری، یا فاصله

خودتو با او کمتر کنی. سعی نکن خودتو جمع و جور کنی، مثلاً دست به سینه یا آگه نشسته اید پاهاتو رو هم نداز، حرکات بدن خیلی چیزها رو نشون میدن.
سؤال ۱۲- تازه با دوست پسرم آشنا شده‌ام، میخوامم برسم چقدر زمان لازمه تا ما سکس داشته باشیم؟

جواب: جواب این سؤال به فاکت‌های زیادی بستگی داره و همیشه یک نسخه حاضر و آماده پبچید. بعضی‌ها ممکنه خیکی حشری باشند و اعتماد به نفس قوی دارند و بلافاصله بعد از آشنایی سکس ولی اکثر مردم اینطور نیستند. سعی کنید چندین بار همدیگه رو ببینید، با حالات و خصوصیات، دارند
اخلاق و افکار و علائق و سلیقه‌های همدیگر آشنا شوید و... این باعث میشود که زمینه یک سکس خوب هم هموار بشود. عجله برای سکس در شروع یک رابطه این خطر را دارد که همه چیز رو خراب کند، پس برای سکس زمینه چینی و آمادگی یافتن خیلی خوب است. اگر در شروع رابطه بخواهی سکس داشته باشی، طرف ممکنه اینطور فکر کند که تو فقط برای سکس با او دوست شده‌ای نه یک رابطه دوستی درازمدت، ولی باز هم می‌گوئیم همه چیز به دو طرف شما بستگی دارد.

اشعار اروتیکی خوانندگان

با کمال ادب و فروتنی چند بیتی را که از اعماق وجودم برآمده و بر زبان الکنم جاری گشته، در کمال احترام و خضوع به خوانندگان سه کاف تقدیم میکنم، باشد که مورد طبع مشکل پسند شما قرار گیرد که گفته‌اند برگ سبزی است تحفه درویش.

در رثای کس

از: علی

درسته که کس ات مثل بلوره

لطافتش بیشتر از سموره

اینکه دلیل نیس به همه کس بدی

حاتم طائی بشی و مفت بدی

این کس تو صاحب میخواد فلونی

با من یا هر کس که صلاح میدونی

هر شب بذاره تو کس ات تا دسته

گاهی خوابیده و گاهی نشسته

از درد اون لباتو گاز بگیری

حس کنی که دیگه داری می‌میری

گاهی نوازش گاهی زوری زوری

آبت بیآد اندازه قوری

بهش بگی قربون اون کیرت میرم

عشق میکنم وقتی که زیرت میرم

قربون اون هیبت کی ر و خایهات

جرم بده من نکنم شکایت

تا خود صبح چوچولتو بماله

هم تو کسات هم تو کونت بذاره

ساک بزنی براش با طیب خاطر

کیر که نیست، یه تیکه جواهر

اونم بلیسه کستو حسابی

میک بزنه لاپاتو چه عالی

بوی کست مست و خرابش کنه

ندونه که اونو چیکارش کنه

توش بکنه، روش بماله، بلیسه

فکر میکنه آبو کجا بریزه

گاز بگیره اون میکشه نازتو

جیغ بزنی، اون میکشه نازتو

آب کست با عرق لای پات

خوردنیه، همینه آب حیات

طعم خوش و مستی دیوونه وار

میخوردش بجای شام و ناهار

از ته دل میگم بدون اغراق

جان بنهم در ره کسهای داغ

حس میکنم با تک تک سلولام

کردن تو مهمترین کارام

ذلیل سینه‌های مثل لیموت

فدائی کس سفید بیموت

چطور بگم تموم دین و دنیا

همه امیدم همه دل خوشیهام

همش عزیزم به کس تو بنده

کیرم همیشه مثل تخت سنگه

قربون شرتت که رو بند رخته

کشیدنش پائین همیشه سخته

شرت سیاه و اون کس مثل برف

بههم ندی دیگه میرم من از دست

توریه و لک شده و چسبیده

فکر میکنم ابت بهش پس میده

دیدن اون کس سفید از پشش

باعث میشه جیغ بزنه هر کسش

اگه میخوای زنده باشم نمیرم

بشین رو کیرم یه وری عزیزم

حالا بیا که فردا خیلی دیره

این کیر من دیگه داره میمره

دیوونه وار چشم برات نشستم

دستش بگیر منتظر تو هستم

اگه بیای جرت میدم فلونی

راضی میشی یه عمر زیرم بمونی

خاطره

از: گیلان زرد

السلام ای دوستان یاران من

نوگلان پهنه بستان من

خاطراتی دارم از بهر شما

خاطراتی بس قشنگ و دلربا

خاطرات سکسی من از قدیم

کردن همسایه و دخت حکیم

کردن زن دایی و دختر عمو

من چه گویم؟ کردن سگ از گلو!

گایش همسایه از پیر و جوان

مرد و زن، گاو و پلنگ و این و آن

کردن هم دوره ایها در کلاس

کردن کولی مست آس و پاس

لیک اینک گویم از یک خاطره

داستان کردن یک باکره

آنچنان مانی میان سنگلاخ

کز تعجب بر سرت روید دو شاخ

داستان من چنان آغاز شد

اینچنین این ماجرا آغاز شد

خانه خالی شد برای چند روز

در درون من نمی گنجید گوز

رفته بودم با رفیقم پر دماغ

در میان کوچه های چار باغ

خسته گشتم بسکه ول گشتم ز خویش

گیر داد آن مردک پر پشم و ریش

با هزاران حيله و نیرنگ و فکر

جان سالم بردم از آنجا به ذکر

تا دم منزل رسیدم از قضا

ناگهان دیدم زن همسایه را

پور را دشنام میداد این چنین

کونی بی آبرو بعداً ببین

تا که آید آن رگ غیرت جدا

یا که او گاید تو را یا آن خدا

گر خدایی باشد آن بالای سر

حتماً اندازد درونت کیر خر

پیر زن آمد بسویش با هونگ

تا بکوبد بر سر آن مست منگ

تر جوانی دیدمش خوش آب و رنگ

فکر کردم نیست جایز درنگ

من گرفتم دست فرزندش به دست

گفتم این آواره در پیش من است

میبرم او را میان خانه‌ام

می‌نشانم ساده در کاشانه‌ام

بس نصیحت میکنم پور تو را

تا بیابد شام دیجور تو را

پور را بردم بسان یک پدر

تا ز غم گردد جدا آن در بدر

گفتمش مهدی چرا مادر چنان

از تو میبارید چون برگ خزان؟

گفت: دیر از ملک بازار آمدم

آدم بیکار و بی عار آمدم

مادرم شک کرد و پرسید از قضا

نان خریدی یا نه از مش مصطفی؟

گفتمش صف مثل شب بودی دراز

گفت: ای بی چشم و روی حقه باز

شنبه‌ها آن نانوایی بسته است

جانم از دست تو میمون خسته است

من به تو گفتم از آنجا نان بخر

تا بسمجم حیل‌ات را کره خر

پس کجا بودی تو یک ساعت الاغ؟

باز رفتی با محمد توی باغ

گفتمش مادر تو را گوید درست

باید این عادت از این سرمایه شست

گر بیایی پیش من وقت نیاز

من نشانت میدهم کیری دراز

گفت: آری کیر احمد کوچک است

از محمد همچو کیر اردک است

جان من بیرون بیاور شنبولت

تا ببینم باغ مست و بلبلت

گفتمش ایراد نبود زین قرار

لیک شرطی دارمت ای بیقرار

گفت شرطت را بگو من حاضرم

تا بماند امشب در خاطر

گفتمش شرطم نباشد سخت سخت

زین صبا گردی خرامان زنده بخت

من ندارم دوست کین کیر عزیز

دیده گردد با تنی کم رو و ریز

باید او را زنده گردانی چنان

تا که انگشتان بماند در دهان

رستم دستان شود مبهوت و زار

سوسک گردد کیر چون فیلش زار

گفت: یعنی چه؟ چه باید کرد حال؟

گفتمش تنها رهش حال است حال

گفتمش بر کن ز پا شلووار خویش

پشت کن تا من بیایم ساده پیش

گفت باشد لیکن از تو یک سؤال

دارم ای دیوانه پر شور و حال

گر چنان کردم چه گردد ناگهان

گفتمش: آقا بپاشد آب جان

گفت شرطی دارم از ترس ای جوان

تا که ننمایی به کونم استخوان

گفتمش باشد بپا خیز ای زرنگ

تا عیان گردد صدای ساز جنگ

دوستان! برخاست آن بیچاره خوش

پس عیان شد عالم افسانه خوش

پشت کرد و دست بر دیوار زد

بر سر پالان کیرم بار زد!

من کشیدم زیر شلووارم به جهد

فکر کردم بشکنم پیمان و عهد

از کمد برداشتم کاندوم چو شیر

پس نهادم بر سر بی موی کیر

کیرم انگار استخوانی شد کلفت

آب بیجا از دهان میریخت مفت

دست بردم سوی کونش لاشکیب

قنبلس چون سنبلی واشد چو سیب

خوش نهادم دست بر سوراخ او

تا درآمد متن اوخ و آخ او

چون تنوری داغ بود آن بی حساب

میکشید از کیر مستم عالم آب

خیس کردم با دهان انگشت خود

دست دیگر خیس کردم مشت خود

بردم انگشتم درون تحت وی

آمد و میرفت چون گاری ری

دست دیگر را ببردم سوی کیر

خیس بودی خیستر کردم ضمیر

بردم آرام این حقیر بی زبان

سوی سوراخ بدون استخوان

کم کمک مالیمدش در آن شکاف

یادم آمد داستانهای سکاف

لیک ترسیدم رود واگن به غار

دیدم او دستش بیاورد از کنار

خود گرفت این ساقی مستان بدست

خود ز عهد خود چنان آسان گسست

برد او را بر دهان تنگ غار

مست بود از کرده خود بیشمار

من فرو کردم به کونش کیر را

تا ببینم ناله شبگیر را

لیکن انگار آن تهیدست علیل

قورت میداد از عطش این دسته بیل

کیر میرفت و میآمد بیقرار

تا بیاید خون عشق کارزار

من بکردم تا نهایت لیک پور

سالها گویی که خوابیده به گور

آخ و اوخ او ز لذت بود و بس

آنقدر نالید تا افتاد پس

مغز کونش کیر من را میمکید

درد را با جان و مالش میخزید

ناگهان از کف در آمد اختیار

آب پاشیدی چو باران بهار

گر چه در کونش بهاران سر رسید

باز هم مظلوم ما را میمکید

من کشیدم استخوان را از میان

سگ پریدی بر سر این استخوان

از سر کیرم جدا کردی کلاه

بر سرش افتاد چون ابری به ماه

ساک میزد کیر ما را چون زنان

توبه کردم داده بود از کف عنان

مثل فیلم سکس میلیسید و مست

از قیامت سسته بود انگار دست

آنقدر لیسید تا بار دگر

نفله استفراغ کرد و شد هدر

گفت بس کیر بزرگی داشتی

کیر خر را از کجا برداشتی؟

گفتمش از بس که کردم کون و کس

برج ایفل ساختم از خاک رس

گفت من هم دوست دارم اینچنین

آسمان کیری بیابم در زمین

دختر همسایه گوید گنده نیست

گفتمش این دختر همسایه کیست؟

گفتمش این دختر همسایه کیست؟

گفت سوسن را بگفتم ای ملس

لیک جان من نگو بر هیچ کس

یک شبی من خانه او بوده‌ام

خفته در کاشانه او بوده‌ام

لخت شد آنشب کنار من چنان

کز سر کیرم درآمد جسم و جان

رفته بودم خانه‌اش زان رو که مام

رفته بودی مقعد (مرقد) پاک امام

تا کند کلی زیارت بقعه را

من برفتم تا نترسد بینوا

شب که شد صحبت ز سکس آغاز کرد

با من دیوانه صحبت باز کرد

گفت خواهم تا ببینم کیر تو

صد طلا سازم من از اکسیر تو

لخت شد آنسان که گفتم مر تو را

نفله گشتم روح شد از تو جدا

با تن رقصان برفتی سوی ضبط

نغمه شیلا نهادی توی ضبط

رقص لختی با عطش آغاز کرد

بند کمرست را به ناخن باز کرد

شرت را از پا درآورد ای خموش

خیس کرد انگشت را بی حال و هوش

پس کشید انگشت را اندر شکاف

یادم آمد عکسی از جلد سکاف

نرم نرمک آن گهر آمد به پیش

من ز وحشت مرده شاشیدم به خیش

او به پائین می کشید از بنده شرت

پس پرید از دیده من بند چرت

لیک تا از شرت کیر آمد برون

دیده سوسن بگشتی رنگ خون

گفت این کیر است یا سنجاق سر؟

من نخواهم خورد جز کیری ز خر

پس لبانش را بیوشید از قضا

من خجل گشتم ز عدل آن خدا

بر تو و امثال تو بخشیده کیر

تا که از زورش عرب آید به زیر

بر من و امثال من سنجاق سر

نام ما را خوش نهاده جنس نر

گفتمش عیبی ندارد نازنین

گنده گردد گر نمایی اینچنین

پس لباسش را بیوشاندم به جهد

گرچه مینوشیدم از آن جام شهد

بردمش تا درب منزل با لجام

دیر بود و وقت صرف چای و شام

پس زدم چندی به در با کوبه‌ای

پس برون آمد ز در محبوبه‌ای

خواهرش بود آن پریچهر ای خدا

تا چه وقت از یکدگر خوابیم جدا؟

ناگهان دیدم که مهدی پر ز خشم

بر سر من بیچاره می‌انداخت چشم

خواهرش را گفتم این مهدی ما

گرچه مست از شیطننت همچون بلا

لیک پندش دادم از اعماق دل

آنچنان کز کار خود گشتی خجل

قول داد از لحظه دیگر مدام

پای نگذارد به باغ مش غلام!

ناگهان از نیشگون گشتم فنا

سوختم از فرق سر تا کون پا (۱)

تازه فهمیدم عجب سه شد طرف

دختر بیچاره کرد از شرم کف

پس بگفتم با خودم ای بی خرد

قضیه را محتومه کن تا بگذرد

گفتم آنان را خدا حافظ دگر

فکر سوسن بودم و این کیر خر!!!!

(۱) - اصفهانیه‌ها به قوزک پا میگویند کون پا.
توجه: شعر بالا بیشتر ترسیم واقعیت‌های اجتماعی است تا آنچه که باید باشد.